

فلسفه بهداشت

مصاحبه، تحقيق و نگارش: مرتضى مساح

سرشناسه : مساح، مرتضی، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور : حبیب بهداری / مصاحبه، تحقیق و نگارش مرتضی مساح.
مشخصات نشر : اصفهان: نشر دارخوین، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری : ۲۹۰ص. : مصور.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۰۰۲۱-۵
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : اعرابی کوهپایه‌ای، حبیب‌الله، ۱۳۴۷-۱۳۶۷.
موضوع : شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات
موضوع : Martyrs -- Iran -- Survivors -- Diaries
موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- خاطرات
موضوع : Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Martyrs -- Diaries
رده بندی کنگره : DSR۱۶۲۶
رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی : ۷۴۳۱۷۹۱
وضعیت رکورد : فیپا

مصاحبه، تحقیق و نگارش: مرتضی مساح
به کوشش و اهتمام: آمنه هنرمند
ویراستار: فاطمه عابدی رزانی
قطع کتاب: خشتی کوچک
رده سنی: بزرگسال
شناسه مجوز: ۴۳۲۳۴۸-۳۵۰۹۴-۹
تعداد صفحه: ۲۹۰
ناشر: دارخوین

گرافیک (طراحی جلد، صفحه‌آرایی): ابوالفضل الماسی
چاپ اول: زمستان ۱۳۹۹
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
قیمت: ۱۳۰/۰۰۰ تومان

مقدمه	۱۰۹
خام بدم	۱۲۰
پخته شدم	۱۵۴
سوختم	۱۰۴
عاقبت، عاشقی آموختم	۱۶۶
منابع و مآخذ	۲۱۶
آلبوم عکس	۲۱۸
فهرست واژه‌ها	۷۸۰



جنگ را با «حبیب» شناختم، و چه عاشقانه و دلبرانه. حبیب که گُم گشت، جنگ روی تلخ و خشن خود را به رُخ کشید. چه ناگوار، دل خراش و جانکاه است جنگ. سال‌های سال بود دلم پَر می‌کشید از او بنویسم؛ اما هیچ‌گاه شرایط مهیا نمی‌شد، که بارزترین شرطش، خواستن دل و درنتیجه‌ی آن، راندن قلم بود. در سی‌امین سالگرد گم‌گشتگی حبیب ازطرف خانواده‌ی گرانقدر او و همچنین هم‌زمانم دعوت شدم تا خاطراتی از او را بر سر مزار برادر شهیدش، حسینعلی بیان کنم. محمدرضا دیگر برادر حبیب از من درخواست کرد تا برای حبیب و حسینعلی بنویسم. در جواب خواسته‌اش گفتم: هرکه را توفیق یار است او بدان خدمت رسد.

از حبیب و حسینعلی خواستم تا اگر بر این امر رضا دارند، دل را نرم و قلم را جاری کنند؛ و این چنین نمودند. پاییز ۱۳۹۸ خورشیدی طرح‌نامه را نوشتم. هم درصدد گردآوری زندگی‌نامه و خاطرات به‌نیت نقل داستان‌های عجیب، ولی واقعی دوران جنگ تحمیلی و نمایش الگوهای بکری از جوانان جان‌برکف میهنم بودم و هم در تلاش به‌جهت اجرای تحقیقی علمی تاریخی به‌روش تاریخ شفاهی به قصد تدوین الگویی موفق از فرایندهای بسیار مهم در امداد و نجات جان مجروحان جنگی.

حبیب قصه‌ی ما از سن شانزده‌سالگی به‌عنوان امدادگری ساده در جبهه حاضر شد و در سن بیست‌سالگی با سمت فرمانده محور بهداری، مفقودالانتر شد. حسینعلی، برادر حبیب هم فقط چند ماه بعد از حضور در جبهه به شهادت رسید. دو آرمان بزرگ، ثبت خاطرات و تحقیقی علمی؛ دو شخصیت اصلی، حبیب و حسینعلی؛ یک نویسنده که درعین حال راوی هم می‌باشد؛ و ده‌ها روایتگر دیگر از اعضای خانواده و هم‌زمان، این‌ها مجموعه‌ی داشته‌های من برای گام‌نهادن در راهی بود که از همان ابتدا صعب‌العبور بودنش همچون روز پیش چشمانم روشن بود.

به چه سبکی بنویسم؟ خاطره، داستان یا رمان؟ با چه زاویه دیدی؛ اول شخص، سوم‌شخص یا دانای کل؟ جنبه‌ی علمی و تاریخی را اولویت دهم یا جنبه‌ی زندگی‌نامه داستانی و رمان را؟ مخاطب اصلی کتاب را خانواده‌ها و جوانان قرار دهم یا محققان و متخصصین طب رزمی؟

چندین ماه درگیر بودم، آخر هم راه به جایی نبردم. قلم را به دست دل دادم، خود را از اصول و مبانی داستان‌نویسی و تحقیق تاریخی رها کردم و فقط نوشتم و نوشتم و نوشتم تا حاصل آن، متن پیش رو شد. هفت جلسه مصاحبه با سیزده عضو خانواده، دو هم‌محلله‌ای و هجده هم‌رزم طی چهار ماه رقم خورد تا مواد خام تأمین گردد. کلیه مراحل مصاحبه را علاوه بر ضبط صوتی، تصویربرداری نیز نمودم تا برای همیشه به‌عنوان منبعی دست‌اول و قابل‌اعتماد در معرض استفاده قرار گیرد. پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، طبقه‌بندی و کدگذاری متن، چهار ماه به طول انجامید. چهار ماه دیگر سپری شد تا بازنویسی و روایت کلی تنظیم و به مرحله چاپ نزدیک گردد.

ناگفته نماند که دوران یورش خصمانه بیماری فراگیر کویید ۱۹ و قرنطینه خانگی از اسفندماه ۱۳۹۸ تا اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ خورشیدی، فرصتی طلایی را فراهم ساخت که روزانه گام بیش از ده ساعت به خواندن و نوشتن بپردازم؛ وگرنه چه‌بسا بیش از یک سال گردآوری، تحقیق و نگارش «حبیب بهداری» به طول می‌انجامید. «حبیب بهداری» را در چهار فصل با عناوین الهام‌گرفته از بیت معروف مولانا و بیست قطعه به شماره‌های یک تا بیست، به تناسب بیست بهار عمر حبیب‌الله، تنظیم و تقدیم نمودم.

حاصل عمرم سه سخن بیش نیست

خام بدم، پخته شدم، سوختم

عاقبت عاشقی آموختم

لازم می‌دانم به آگاهی خوانندگان گرامی برسانم که کلیه حوادث نقل شده در این کتاب، از نگاه ناظر واقعی که مورد مصاحبه قرار گرفته و یا نویسنده که خود نیز در متن حوادث حضور داشته، روایت شده، هر خاطره به‌کمک ابزارهایی مانند ایجاد کشمکش و توصیف صحنه‌ها به جنبه‌ی داستانی تبدیل شد؛ اما هیچ گزند جدی به اصل حادثه و واقعی بودن آن وارد نشده است.